



اثر بخشی روش آموزش مشارکتی در جهت گیری انگیزش ادراک شده دانش آموزان

محمد موسی نژاد

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه اثربخشی روش آموزش مشارکتی بر جهت گیری انگیزش ادراک شده در دانش آموزان مقطع متوسطه در شهرستان ملکان می باشد. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی و از نوع پیش و پس آزمون با گروه آزمایش و گواه است. به این صورت که از دو گروه آزمودنی تشکیل شده است که هر دو گروه دو بار مورد اندازه گیری قرار می گیرند. در پژوهش حاضر از روش آموزش مشارکتی جیگ ساو استفاده خواهد شد. جامعه آماری شامل دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ملکان به تعداد ۱۶۵۰ دانش آموز شامل ۷۵۰ دانش آموز دختر و ۹۰۰ دانش آموز پسر در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ می باشد. آموزش مشارکتی طی ده جلسه بر روی گروه آزمون اجرا می گردد. در مرحله سوم پرسشنامه ها مجدداً پخش و یافته ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس آزمون می گردد. ابزار جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه انگیزش تحصیلی (AMS) می باشد. نتایج نشان داد که روش آموزش مشارکتی بر جهت گیری انگیزش درونی، جهت گیری انگیزش بیرونی، جهت گیری بی انگیزشی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ملکان مؤثر است. بنابراین براساس یافته های پژوهش حاضر می شود این نتیجه گیری کلی مطرح کرد که آموزش مشارکتی می تواند منجر به بهبود وضعیت جهت گیری هدف در دانش آموزان مقطع متوسطه گردد.

کلید واژه ها: آموزش مشارکتی، جهت گیری انگیزش ادراک شده، جهت گیری انگیزش درونی، جهت گیری انگیزش بیرونی، جهت گیری بی انگیزشی